

تصادف




 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Sam Saf

 3

 فارسی fa

ګرلوس سوار ېک اسکوتر میښه. اون خیلې تند میره.



جده خيسه. جده لغزنده است.



اون کنترل اسکوتر رو از دست میده و میخوره زمین.



ګرلوس بدجوری آسیب میبینه.



یه زن به آمبولانس زنگ میزنه. «اینجا تعهد شده. سریع بپین!»



آمبولانس خیلی زود میرسه.



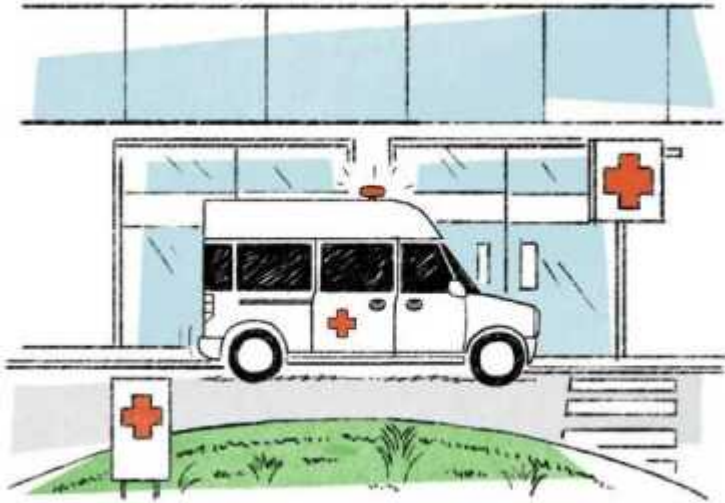
دو مرد گرلوس رو روی برانکارد میذارن.



اونه گرلوس رو توی آمبولانس میذارن.



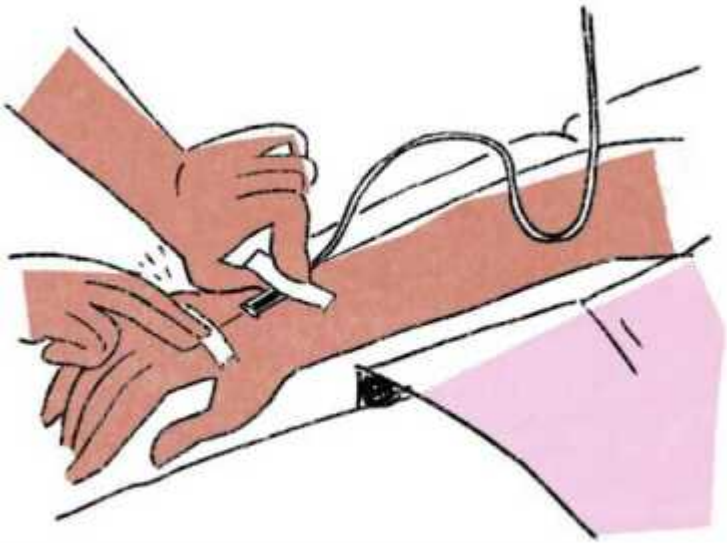
آمبولانس به طرف بیمارستان میره.



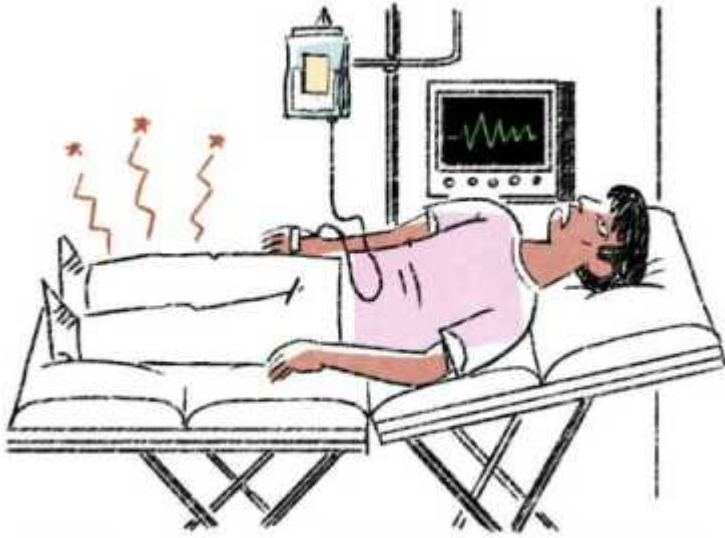
یه پرستار گریوس رو میچره توی بیهوشن.



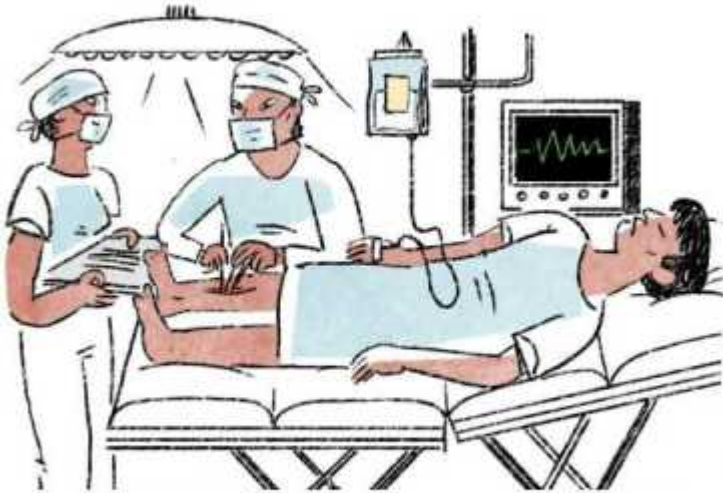
اون به کارلوس رسیدگی می کنه.



چی گرلوس خیلی درد می‌کنه و اون نگرانه.



دو دکتريش رو عمل ميکنند.



پدر و هدرش به ملقاتش مین. اونج ازش میپرسن که تصدق چطور اتفق
افلد.



اونه گرلوس رو بدهشین به خونه می رسونن. گرلوس از چوب زیر بغل
استفاده می کنه.





LIDA Stories

lidastories.net

تصادف

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakane

 Sam Saf

